

رحمن قهرمان پور

سیاست | خارجی

وادیپلماسی | هسته‌ای | ایران

از تقابل تا اعتماد سازی



انتشارات تیسرا

به نام بی پید و پنهان
که پیدا جهان داند به یکسان

سرشناسه	: قهرمانپور، رحمن، ۱۳۵۴-
عنوان و نام پدیدآور	: سیاست خارجی و دیپلماسی هسته‌ای ایران / ارتقاء تا اعتمادسازی / نویسنده: رحمن قهرمانپور.
مشخصات نشر	: تهران: تیس، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۴۰۸ ص؛ نمودار: ۲۱×۱۴/۵.
فروست	: انتشارات تیس؛ شماره نشر ۲۱۰. کتاب پولیتیا؛ ۱۴.
شابک	: ۲۸۹۰۰۰ ریال؛ 978-600-7683-38-5
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
موضوع	: انرژی اتمی - ایران - سیاست دولت
موضوع	: ایران - روابط خارجی
رده‌بندی کنگره	: KZ س ۹ ق / ۵۶۷۵ ۱۳۹۵
رده‌بندی دیویی	: ۳۲۷/۱۷۴۷۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی:	۴۰۹۷۲۴۶

سیاست خارجی و دیپلماسی همدای ایران؛ از تقابل تا اعتمادسازی

نویسنده: رحمن قهرمانپور

مدیر تولید: فاطمه شهبازی

چاپ یکم: زمستان ۱۳۹۵

شماره نشر: ۲۱۰

ویراستار: طیبہ حسین‌زاده

صفحه آرا: سپیده امری

لیتوگرافی: البرز نوین، چاپ: عطا، صحافی: ساغر مهر

ناظر فنی چاپ: امیر نبی‌زاده

تعداد: ۶۰۰ نسخه

قیمت: ۲۸۹۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۳-۳۸-۵

۱۵	مقدمه
	فصل یکم. معرفی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و جایگاه برنامه
۲۳	هسته‌ای در آن
۲۵	سیاست خارجی: داخلی و خارجی
۲۸	نظریه واقع‌گرایی و سیاست خارجی
۳۰	نظریه نهادگرایی، نئولیبرال و سیاست خارجی
۳۲	نظریه سازنده‌گرایی و سیاست خارجی
۳۳	نظریه‌های انتقادی و سیاست خارجی
۳۴	نظریه سیستمی و سیاست خارجی
۳۵	نظریه‌های تصمیم‌گیری و سیاست خارجی
۳۶	۱. نظریه شهود چندجانبه
۳۷	۲. نظریه بوروکراتیک
۳۸	۳. نظریه هویت و سیاست خارجی
۴۰	رویکرد سازه‌گرایانه به سیاست خارجی ایران
۴۲	سازنده‌گرایی: گذار از فلسفه به جامعه‌شناسی
۴۳	سازنده‌گرایی و عقلانیت‌گرایی
۴۷	۱. دولت‌ها الزاماً عقلانی رفتار نمی‌کنند و عقلانیت هم صرفاً ابزاری نیست
۴۷	۲. هنجارهای ذهنی در تکوین نظام بین‌الملل به اندازه مسائل عینی اهمیت دارند
۴۷	۳. هویت مقوله‌ای ثابت و از پیش موجود نیست
۴۸	۴. ساختار و کارگزار قابل تقلیل به یکدیگر نیستند
۴۹	سازنده‌گرایی و پست‌مدرنیسم
۵۰	شاخه‌های سازنده‌گرایی

۱. تحلیل سیاست خارجی از منظر سازنده‌گرایی..... ۵۲
۲. تحلیل سازنده‌گرایانه سیاست خارجی ایران..... ۵۹
۳. سیاست خارجی سازنده‌گرایانه..... ۶۰
۴. پیچیدگی رفتار و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی..... ۶۲
۵. سیاست خارجی ایران متأثر از هویت «جمهوری اسلامی»..... ۶۲
۶. بینابینی بودن تعامل ساختار و کارگزار در سیاست خارجی ایران..... ۶۳
۷. تغییر و تداوم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۶۴
۸. اهمیت و جایگاه الهام‌بخشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۶۹
۹. بنیان‌های نظری قدرت نرم و الهام‌بخشی..... ۷۲
۱۰. مشکلات و موانع الهام‌بخشی ایران در جهان اسلام..... ۷۹
۱. عظام دوا، محور و الهام‌بخشی..... ۷۹
۲. انتقادات گوناگونی شرط لازم الهام‌بخشی..... ۸۰
۳. چگونگی برخورد با نظام مسلط جهانی..... ۸۲
۴. سیاست تشویق‌زدایی..... ۸۳
- جمع‌بندی..... ۸۷
- فصل دوم: درک و تحلیل نظری رویکرد استراتژی‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران..... ۹۱
- عوامل تکنولوژیک..... ۱۰۰
۱. عوامل خارجی اشاعه..... ۱۰۸
۲. عوامل داخلی اشاعه..... ۱۳۷
- رویکرد امریکا در قبال بحران هسته‌ای ایران..... ۱۵۰
- افت‌وخیزهای روابط ایران و امریکا..... ۱۵۲
- پیامدهای یازدهم سپتامبر..... ۱۵۶
۱. در دستور کار قرار دادن دزدی و تروریسم هسته‌ای از سوی امریکا..... ۱۵۷
۲. تمرکز بر منطقه خاورمیانه..... ۱۵۸
۳. تحول بازدارندگی..... ۱۶۰
- سیاست ضد اشاعه هسته‌ای ایالات متحده..... ۱۶۲
- لابی یهودی طرفدار اسرائیل..... ۱۶۹
- ظهور هژمون‌های منطقه‌ای در خاورمیانه..... ۱۷۱
- نظم هسته‌ای مورد نظر امریکا: با تأکید بر پیمان استارت جدید..... ۱۷۳
- محتوای پیمان استارت جدید..... ۱۷۸
- نظام راستی‌آزمایی پیمان استارت جدید..... ۱۸۳
- نظام شمارش در پیمان استارت جدید..... ۱۸۷

۱۹۰	تبدیل و نابودی.....
۱۹۲	چرا آمریکا به دنبال تصویب پیمان استارت جدید بود؟.....
۱۹۷	نظم جدید هسته‌ای مورد نظر اوپاما.....
۲۰۱	پیمان استارت جدید، بازدارندگی فراگیر و امنیت ملی ایران.....
۲۰۴	رویکرد امریکا به پیمان منع اشاعه یا NPT.....
۲۰۶	سه ستون پیمان NPT.....
۲۰۸	رویکرد امریکا به ماده ۲ و ۳ پیمان NPT.....
۲۱۴	امریکا و ماده ۴ پیمان NPT.....
۲۱۹	امریکا و ماده ۶ پیمان NPT.....
۲۲۹	فصل سوم: اقدامات اعتمادساز در بحران هسته‌ای ایران.....
۲۳۱	طیف اقدامات اعتمادساز.....
۲۳۳	۱. استمراریت.....
۲۳۶	۲. اقدامات محرمانه.....
۲۴۰	۳. اعتمادسازی از روش‌های حقوقی.....
۲۴۱	۴. اعتمادسازی از روش‌های سیاسی.....
۲۵۹	دیپلماسی هسته‌ای و اعتمادسازی.....
۲۶۱	محیط بین‌المللی بحران.....
۲۷۳	محیط منطقه‌ای و مدیریت بحران هسته‌ای.....
۲۷۹	طرح مبادله سوخت هسته‌ای ایران.....
۲۸۰	از طرح مبادله اورانیوم کمتر غنی‌شده با پلوتونیوم تا بیانیه سه‌جانبه تهران.....
۲۸۲	ماده ۴ پیمان منع اشاعه و مسئله غنی‌سازی.....
۲۸۶	اهمیت مذاکرات ژنو.....
۲۸۸	استدلال دولت در حمایت از مبادله سوخت.....
۲۸۹	استدلال مخالفان مبادله یا معاوضه سوخت.....
۲۹۰	مذاکرات ژنو و تکثیر در تصمیم‌گیری‌های هسته‌ای ایران.....
۲۹۲	قطعنامه شورای حکام.....
۲۹۷	فصل چهارم: نگاهی به تجارب سایر کشورها.....
۳۰۱	سیاست هسته‌ای شدن آرژانتین چرا و چگونه؟.....
۳۰۱	۱. تلاش برای کسب پرستیژ.....
۳۰۴	۲. رقابت‌های منطقه‌ای با برزیل.....
۳۰۶	۳. حکومت نظامیان.....
۳۰۹	۴. شرایط نظام بین‌الملل در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰.....

تغییر سیاست هسته‌ای آرژانتین در دهه ۱۹۹۰.....	۳۱۱
۱. مسیر تغییرات سیاست هسته‌ای آرژانتین.....	۳۱۲
۲. دلایل تغییر سیاست‌های هسته‌ای آرژانتین.....	۳۱۴
سیاست برزیل در دستیابی به فناوری غنی‌سازی و چرخه سوخت.....	۳۲۲
۱. آیا مورد برزیل شباهتی با مورد ایران دارد؟.....	۳۲۳
۲. تفاوت سیاست هسته‌ای برزیل و ایران.....	۳۲۹
عوامل بازدارنده و تشویق‌کننده فعالیت‌های هسته‌ای مصر.....	۳۳۳
۱. تاریخچه فعالیت‌های هسته‌ای مصر.....	۳۳۵
۲. جنگ ۱۹۶۷ و توقف بلندپروازی هسته‌ای مصر.....	۳۳۷
۳. سادات و برنامه هسته‌ای مصر.....	۳۳۸
۴. سیاست هسته‌ای مصر در دوران مبارک.....	۳۴۱
۵. عملکرد مصر در قبال رژیم‌های عدم اشاعه و پیمان NPT.....	۳۴۴
۶. عوامل داخلی مؤثر بر فعالیت‌های هسته‌ای مصر.....	۳۴۷
۷. عوامل خارجی مصر از هسته‌ای شدن.....	۳۵۰
فصل پنجم: مسئله هسته‌ای ایران در بستر منطقه‌ای.....	۳۵۹
رقابت‌های سیاسی داخلی پاکستان و بحران هسته‌ای ایران.....	۳۶۵
روابط پاکستان - هند و بحران هسته‌ای ایران.....	۳۶۶
امریکا، پاکستان و بحران هسته‌ای ایران.....	۳۶۸
نفوذ منطقه‌ای ایران از مجرای دستیابی به توان هسته‌ای.....	۳۷۰
۱. افزایش نفوذ ایران در افغانستان.....	۳۷۱
۲. تضعیف موقعیت عربستان.....	۳۷۲
۳. رفتار ایران به عنوان قدرتی منطقه‌ای.....	۳۷۳
پرونده هسته‌ای و روابط تهران - اسلام‌آباد.....	۳۷۳
علت‌یابی رفتار کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در برابر فعالیت‌های هسته‌ای ایران.....	۳۷۶
مواضع اعضای شورای همکاری خلیج فارس در قبال فعالیت‌های هسته‌ای ایران.....	۳۷۷
موقعیت اعضای شورای همکاری خلیج فارس در خاورمیانه.....	۳۸۰
شورای همکاری خلیج فارس، امریکا و ایران.....	۳۸۳
تناقض‌های پیش‌روی اعضای شورای همکاری خلیج فارس در موضوع هسته‌ای ایران.....	۳۸۵
ترکیه و بحران هسته‌ای ایران.....	۳۸۸
فصل ششم: توافق وین و چشم‌انداز سیاست خارجی ایران.....	۳۹۷
نمایه.....	۴۰۳

آنچه بعدها به بحران هسته‌ای و به تعبیر دیپلمات‌ها موضوع هسته‌ای ایران معروف شد، در میان دو حاکم افغانستان و عراق زاده شد. آمریکا به افغانستان حمله کرد و در حال آماده‌سازی نیروهای مسلح خود برای حمله به عراق بود. در این فاصله بود که در مردادماه ۱۳۸۱ شبکه خبری بیست و چهار ساعته سی.ان.ان در گزارشی خبری ادعا کرد ایران دارای تأسیسات مخفی هسته‌ای بوده و مخفیانه در حال ساخت بمب است. این نخستین بار نبود که چنین ادعایی مطرح می‌شد، با این تفاوت که شبکه سی.ان.ان در گزارش اخیر خود آورده بود اسناد و مدارکی درباره تأسیسات مخفی هسته‌ای در حال ساخت ایران وجود دارد؛ تأسیساتی که بعدها معلوم شد مرکز غنی‌سازی نظریه بوده است. این ادعا جدی گرفته شد و شبکه‌های خبری و غیرخبری غربی آن دهام فرآوانی را متوجه ایران کردند، آن هم درحالی که دستور رئیس‌جمهور آمریکا به نهادهای نظامی و اطلاعاتی آن کشور برای طراحی حمله به عراق علنی شده بود. بهانه بوش برای این دستور، وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق بود؛ سلاح‌هایی که سازمان ملل و کمیته ویژه آن هم موفق به یافتن آنها نشده بودند و حتی افرادی چون هانس بلیکس رئیس سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی معتقد بودند صدام فاقد سلاح هسته‌ای است اما فضا، فضای جنگی پس از یازدهم سپتامبر بود و گوش خیلی‌ها و مخصوصاً نو محافظه‌کاران آمریکا به این حرف‌ها

بدهکار نبود. آنها از زمان ریاست جمهوری کلینتون در دهه ۱۹۹۰ بر طبل تغییرات اساسی از طریق قدرت نظامی می‌کوبیدند و معتقد بودند امریکا برای حفظ موقعیت برتر خود در دنیای پس از جنگ سرد باید از قدرت نظامی بهره بگیرد و این کار ناگزیر است.

در این میان، بزرگ‌نمایی مسئله هسته‌ای ایران و طرح این ادعا که این کشور مخفیانه در حال ساخت بمب است، نگرانی ایرانی‌ها را دوچندان می‌کرد. برخی‌ها معتقد بودند ادعای حمله به عراق انحرافی بوده و هدف اصلی جورج بوش حمله به ایران به بهانه ساخت بمب و حمایت از گروه‌های جهادی در منطقه و غیره است. تبلیغات لابی یهودی ضد ایرانی در امریکا هم به این نگرانی دامن می‌زد؛ گرچه اینکه برخی از نومحافظه‌کاران امریکا ادعا می‌کردند ریشه اصلی مشكلات منطقه از جمله منازعه اعراب و اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران و نه عراق است. البته بودند گروهی دیگر که بر اساس محاسبات عقلانی و استراتژیک و دسترسی به اطلاعات و اخبار ویژه و محرمانه ادعا می‌کردند، امریکا بلوف می‌زند و توان ندارد به عراق حمله کند؛ چه برسد به ایران. ادعاهای این گروه هم خالی از سبب و استلال منطقی نبود. آنها بر اساس تجربه تاریخی حمله امریکا برای آزادسازی کریت، انصراف یکباره و ناگهانی جورج بوش پدر از ساقط کردن حکومت صدام در سال ۱۹۹۱، نتیجه می‌گرفتند جورج بوش پسر هم قصد ساقط کردن صدام را ندارد. علت مدعی از این گروه هم باور داشتند صدام خواسته یا ناخواسته به تحقق اهداف امریکا در منطقه و از جمله مهار جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کند و لذا عقلانیت نیست امریکا صدام را از صحنه معادلات استراتژیک منطقه حذف کند.

شاید آنها در ارزیابی اعتقاد جورج بوش پسر به داشتن مأموریتی مقدس از سوی حضرت مسیح (ع) برای نجات برخی‌ها از طریق حمله نظامی، کم بها می‌دادند! بهانه قرار دادن وجود سلاح هسته‌ای در عراق هم نگرانی از اقدام جورج بوش پسر علیه ایران را مضاعف می‌کرد. نگارنده در آن زمان پژوهشگر مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری بود و این بحث‌های داخلی را پیگیری می‌کرد. هنوز تیم هسته‌ای تشکیل نشده بود و مباحث مرتبط با خلع

سلاح، کنترل تسلیحاتی، راستی‌آزمایی، حقوق بین‌الملل سلاح‌های کشتار جمعی، پروتکل الحاقی، پیمان منع اشاعه (NPT) و خیلی از بحث‌های دیگر حتی در محافل فکری و تحقیقاتی بسط پیدا نکرده بود.

بعدها که به عنوان مدیر «گروه خلع سلاح مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام»، مباحث علمی و تحقیقاتی فوق را پی گرفتم، دریافتیم این وضعیت یعنی کمبود تولیدات علمی و کاربردی درباره جنبه‌های متعدد مسئله هسته‌ای، مختص ایران نبوده و بسیاری از کشورهای دیگر هم با چنین شرایطی مواجه بوده‌اند. این مباحث اغلب در کشورهایی پیگیری می‌شد که فعالیت‌های هسته‌ای داشتند. از همه مهم‌تر اینکه موضوعات هسته‌ای کشورها تا حدی منحصر به آن کشور بوده و قابل تعمیم به کشورهای دیگر نیست. مثلاً سیرت، لیت، هسته‌ای آرژانتین به مراتب متفاوت‌تر از هند یا ژاپن است و کسی که متوجه مسائل هسته‌ای برزیل باشد، الزاماً نمی‌تواند درباره فعالیت‌های هسته‌ای ژاپن تخصص داشته باشد، زیرا دامنه^۱ و ماهیت^۲ فعالیت‌های دو کشور و مسیر فعالیت‌های آن متفاوت از یکدیگر است؛ نتیجه آنکه کارشناسان ایرانی (اعم از دیپلمات‌ها، پژوهشگران، دانشمندان هسته‌ای و غیره) نمی‌توانستند در آن مقطع زمانی با مطالعه تجارب سایر کشورها، به سرعت خود را برای مدیریت بحران آماده کنند.

قوانین و مقررات مربوط به نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای کشورها از سوی آرژانس، موسوم به مقررات پادمانی هم به قدری تنوع و گستردگی دارند که فرد یا سازمان خاصی نمی‌تواند به تنهایی اشراف کامل بر آنها داشته باشد. در این مورد به دو مثال واقعی و عینی اشاره می‌شود. در مقطعی این بحث در داخل ایران و در میان مسئولان مطرح شد که اگر ایران پروتکل الحاقی را اجرا نکند، آرژانس نمی‌تواند به لحاظ قانونی به مکان‌های اعلام‌نشده که خواهان بازدید از آنهاست، دسترسی داشته باشد. مخالفان امضای پروتکل الحاقی استدلال می‌کردند ایران باید توافق جامع پادمانی را - که پس از الحاق به پیمان NPT آن را امضا کرده و

1. Scope

2. Nature

پذیرفته است - مبنای همکاری‌های فنی خود با آژانس بین‌المللی اتمی قرار دهد زیرا در این صورت دست آژانس بسته‌تر خواهد بود و ایران دست بالاتر را خواهد داشت اما عده‌ای دیگر با استناد به همین توافق جامع پادمانی و اساسنامه آژانس، استدلال می‌کردند شورای حکام آژانس می‌تواند در موارد خاص بازرسی‌های ویژه از یک کشور خاص را تصویب کند، بی‌آنکه آن کشور پروتکل الحاقی را امضا یا تصویب کرده باشد، مثل اتفاقی که در مورد کد شمالی افتاد؛ بنابراین اجرا نکردن پروتکل الحاقی تضمینی حقوقی برای جلوگیری از بازرسی‌های ویژه نبود.

طایفه نوافق پادمانی، آژانس بین‌المللی انرژی و به طور مشخص شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان بخش اصلی و در واقع سیاسی تصمیم‌گیرنده این نهاد بین‌المللی می‌تواند از مکان‌هایی که دولت فعالیت‌های هسته‌ای آن را به آژانس اعلام نکرده، بازدید کند؛ اگر این بازرسی‌ها برای اطلاع از دامنه و ماهیت فعالیت‌های هسته‌ای آن کشور ضروری باشد. غرض این نیست که آژانس می‌تواند بدون هر مانعی درخواست بازرسی ویژه از یک مکان خاص را بکند، بلکه مقصود این است که عدم اجرای پروتکل الحاقی به تنهایی مانعی در برابر این اقدام آژانس نیست.

در مثالی دیگر، ایران در اعتراض به ارسال روزنامه هسته‌ای خود از آژانس به شورای امنیت اعلام کرد کد ۳/۱ مربوط به ترتیبات حاکم بر تکمیل را دیگر اجرا نمی‌کند، درحالی‌که قبلاً آن را به عنوان یک اقدام انحصاری امضا کرده بود. در موضوع فوردو، آژانس معتقد بود ایران مطابق کد ۳/۱ باید ساخت و ساز در فوردو را به آژانس اطلاع می‌داد، اما ایران مدعی بود بعد از ارسال پرونده‌اش به شورای امنیت از اجرای این کد الحاقی عقب‌نشینی کرده و لذا تخلفی انجام نداده است و موظف نبوده ساخت و ساز در مرکز فوردو را به اطلاع آژانس برساند. در پی این اختلاف نظر، یوکیا آمانو مدیرکل آژانس، در گزارش‌های آژانس درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران ادعا کرد که بر اساس نظر بخش حقوقی آژانس، خروج از این کد الحاقی ممکن نیست و ایران نمی‌تواند امضای خود را در این مورد پس بگیرد و لذا ایران در این مورد تخلف کرده است.

بروز برخی اتفاق‌ها و خطاها در روند مدیریت بحران هسته‌ای تا حدی ناگزیر بود و این اتفاقات در عمل هم رخ داد که تأثیرات خاص خود را نیز به دنبال داشت. آقای روحانی می‌گوید «پیش از آنکه شورای عالی امنیت ملی در مهرماه ۱۳۸۱ مدیریت دیپلماسی هسته‌ای و در واقع بحران هسته‌ای را بر عهده بگیرد، سازمان انرژی اتمی مسئول بود و نماینده ایران در آژانس هم از سوی این سازمان انتخاب و منصوب می‌شد. وزارت امور خارجه در جریان جزئیات تحولات آژانس و حتی تدوین پروتکل الحاقی قرار نداشت... بخشی از مسئولیت در پرونده هسته‌ای، به برداشت مسئولان سازمان از مسائل حقوقی و سیاسی و اطلاعات محدود آنان از مسائل بین‌المللی و حقوقی مربوط می‌شد. برای نمونه آنها فکر می‌کردند اینکه آژانس از برنامه غنی‌سازی تا ۳/۵ درصد قبلاً مطلع نباشد، موضوع ماده‌ای است که در حد کوتاهی رسمی محسوب نمی‌شود».^۱

واقعیت این است که بروز چنین اتفاق‌هایی محدود به ایران نیست و نمی‌توان کسی را از این بابت مقصر دانست. در موضوع یافت‌شدن پلوتونیوم در کره جنوبی هم اتفاق کم‌وبیش مشابهی رخ داده بود و برخی‌ها بدون اطلاع از غیرقانونی بودن موضوع، اقدام به بازفروری پلوتونیوم در مقیاس کم کرده بودند. یکی از دلایل بروز این اتفاق‌ها، تنوع و گوناگونی فعالیت‌های هسته‌ای کشورهاست؛ فعالیت‌هایی که شامل طیف مختلفی از تحقیق و توسعه گرفته تا فعالیت‌های عملی متعدد است. این گستردگی سبب می‌شود که کمتر فرد یا سازمانی بر همه فعالیت‌های هسته‌ای مسلط و حتی از آنها مطلع باشد. باید پذیرفت (و این نکته‌ای است که آژانس بین‌المللی انرژی هم در نوشته‌های رسمی خود بدان اذعان نموده است) که مسیر پرونده هسته‌ای هر کشور منحصر به فرد است و لذا مدیریت آن هم برای آژانس و هم برای کشوری که فعالیت هسته‌ای انجام می‌دهد، مملو از آزمون و خطاست. مسائل و مشکلات به مرور زمان خود را نشان می‌دهند و طرفین می‌کوشند برای آن راه‌حل ارائه دهند.

۱. حسن روحانی، امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۲، صص ۵۳-۵۴.

کتاب حاضر تلاشی است برای پاسخ به مسائلی که در مقاطع مختلف زمانی مربوط به بحران هسته‌ای در محافل تحقیقاتی و فکری و سیاسی مطرح شده‌اند و نویسنده تلاش کرده آنها را مورد بررسی قرار دهد. به عنوان مثال، بحث انتقال سوخت از ایران به خارج از کشور جهت غنی‌سازی بیشتر و تبدیل آن به میله سوخت برای استفاده در رآکتور تحقیقاتی تهران، ابتکار عملی بود که تقریباً برای نخستین بار مطرح می‌شد و در سایر کشورهای فعال در زمینه هسته‌ای، سابقه‌ای به این شکل نداشت. درست است که ایده خارج کردن اورانیوم غنی‌شده از خاک یک کشور به منظور کاهش احتمال استفاده از آن برای ساخت سلاح هسته‌ای مسبوق به سابقه بود، اما در مورد هر کشوری شکل متفاوتی به خود می‌گرفت و لذا مسائل فنی، حقوقی و سیاسی خاص خود را نیز به وجود می‌آورد؛ گویانکه بی‌اعتمادی عمیق میان ایران و غرب هم مشکلات بحران هسته‌ای ایران را دوچندان می‌کرد. غربی‌ها دنبال بهانه‌ای برای بزرگ‌نمایی خطر فعالیت‌های هسته‌ای ایران بودند و لذا این امکان وجود داشت که هر اتفاقی - که درباره سایر قدرت‌ها می‌توانست عادی تلقی شود - به بحرانی در مدیریت دیپلماسی هسته‌ای تبدیل شود. مثال‌ها در این مورد فراوان است؛ از پیدا شدن آلودگی گرفته تا موضوع سانتریفوژ P-2، سند فلز اورانیوم، مطالعات ادعایی، نقش نظامیان، مرکز غنی‌سازی فردو و غیره.

جناح‌های مختلف داخلی در ایران کم‌وبیش اتفاق نظر دارند که پرونده هسته‌ای ایران بیش از آنکه فنی باشد، سیاسی است. اگر در ابتدای بحران به وجود آمده کسانی بودند که موضوع را فنی می‌دانستند، گذشت زمان و رفتار غرب، تردیدها درباره سیاسی‌بودن را کمتر و کمتر کرد؛ بنابراین حتی اگر نفس فعالیت‌های هسته‌ای فنی باشد، قبولاندن آن به جامعه بین‌المللی پیش از هر چیز امری سیاسی و حقوقی است. البته اگر قائل به این باشیم که توجیه جامعه بین‌المللی در مورد ماهیت صلح‌آمیز فعالیت‌های هسته‌ای ضرورت دارد.

تلاش ما در این کتاب بر آن است تا از زوایای مختلف بحران هسته‌ای ایران را مطالعه کنیم. شاید این شیوه بتواند در مواجهه با پیچیدگی‌های فنی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی فعالیت‌های هسته‌ای تا حدی راهگشا باشد.